

واکاوی اصول و راهبردهای تحقق شهر ایرانی - اسلامی

اصغر مولایی *

چکیده:

شهر ایرانی-اسلامی دارای اصول و قواعد برگرفته از آموزه‌های دینی است که نظم اسلامی در تمامی ابعاد آن جریان دارد. نظم در شهر ایرانی-اسلامی متأثر از اصل بنیادین وحدت در نظام جامعه اسلامی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فضایی و کالبدی و زیست‌محیطی آن تجلی یافته است. انتظام شهر ایرانی-اسلامی در هماهنگی با تعالیم اسلامی یا تأثیرپذیری از اصول و تعالیم دین مبین اسلام، سبک زندگی مسلمانان را هدایت می‌نماید. هدف پژوهش تبیین اصول، قواعد و الگوهای انتظام‌بخش در شهر ایرانی-اسلامی است و با روش توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوای متون با رویکرد کیفی و شیوه‌های مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. عمل به قوانین و احکام شریعت و توجه به آن‌ها در تصمیم‌ها و اقدام‌ها، همان نظم‌مداری و وحدت‌گرایی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین قواعد انتظام‌بخش شهر ایرانی-اسلامی، همان قوانین و احکام شریعت است که شامل: قاعده حلال و حرام، تعهد به دستورات دینی، تعاون و همکاری اجتماعی، اعتدال در خرید و مصرف، حضور هدفمند در اجتماع، رعایت حریم و محرمیت، مسجدمحوری، رعایت حقوق خداوند و نفس سایر مخلوقات، احترام و تواضع، اخلاق‌محوری است.

کلیدواژه‌ها: اصول و قواعد اسلامی، شهر ایرانی-اسلامی، احکام ثابت، وحدت.

۱. مقدمه

نظم در شهرهای قبل از اسلام برگرفته از نظام کاستی و سلسله مراتب طبقاتی جامعه بود. این شهر شامل ارگ حکومتی در مرکز شهر، کهنه‌ژ یا شار میانی، محل زندگی دیوان سالاران، لشکریان، افراد متمول و نزدیکان فرمانروا که دیوار شهر بدور آن واقع می‌شد. بیرون از دیوار شهر، شار بیرونی یا محل زندگی مردم عادی بود. ظهور دین اسلام با شعار برادری، برابری و وحدت، نظم قبل از آن فرو ریخته و نظمی مبتنی بر فرهنگ اسلامی خلق گردید که براساس آن دیوار شار میانی تخریب شده و سلسله مراتب ارگ تا شار بیرونی از بین رفته و ربض (محل زندگی مردم عادی) داخل دیوار شهر واقع شدند. که در ادامه با نظام محله‌بندی ادامه یافت.

نظم شهرهای بعد از اسلام از حیث اجتماعی و فرهنگی و فضایی-کالبدی، در چهار دوره قابل بررسی است: الف) دوره اول که همان سال‌های صدر اسلام است که محل اداره شهر در داخل مسجدی ساده و بی‌پیرایه در مرکز شهر و هم‌پیوند با بافت پیرامون آن، مسجد هم محل عبادت و هم محل اداره شهر محسوب می‌شد. ب) در دوره دوم، دارالحکومه از مسجد جدا شده ولی از طریق راهرویی بهم متصل می‌شدند. این مسجد و دارالحکومه در میدان مرکزی شهر و هم‌پیوند با بافت شهر واقع بودند. ج) دوره سوم همزمان با حکومت بنی‌عباس، مسجد و دارالحکومه جدا از یکدیگر به دور میدان مرکزی شهر واقع بودند. این دوره جدایی دین از سیاست مطرح گردید. د) در دوره چهارم جدایی کامل دین از سیاست اتفاق افتاده و مساجد و دارالحکومه در دو میدان جدا از هم احداث گردیده و بدون ارتباط با بافت پیرامون خودنمایی می‌کردند [۱]. در دوره‌های قبل از اسلام، نظم در شهر در قالب محله‌بندی‌های طبقاتی نمود پیدا می‌کرد. در دوران ورود دین اسلام به ایران و صدر اسلام، موضوع محله‌بندی، در قالب نظام‌های صنفی و فرهنگی و اجتماعی هم‌سنخ سامان داده می‌شد و این امر نظم در شهر ایرانی-اسلامی را نمود کالبدی می‌دهد. موضوع نظم در شهر اسلامی در ابعاد و محوریت‌های مختلف نمود پیدا می‌کند. توجه به روابط همسایگی، برابری، برادری، سرمایه اجتماعی، حریمیت و حرایم، توجه و عمل به دستورات دینی و ... از جمله نمودهای نظم در محلات به عنوان یک جز از شهر اسلامی است. در ادامه پژوهش این ابعاد به صورت مفصل‌تر و کامل‌تر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

نظم در شهرهای ایرانی-اسلامی یک امر جدایی‌ناپذیر از سبک زندگی مردم است که تحت تأثیر عواملی نظیر فرهنگ و زمینه اجتماعی شریعت اسلامی است. بازشناسی اصول و قواعد اسلامی نظم‌دهنده در شهر ایرانی-اسلامی هدف اصلی این پژوهش است که با تأکید بر اندیشه‌های متفکران مسلمان شکل گرفته است. در همین راستا، در ابتدا فلسفه نظم و شهر ایرانی-اسلامی از منظر اندیشمندان اسلامی و تفکرات آنان مطالعه گردیده است و سپس معیارها و اصول کلی این اصول و قواعد تبیین شده است. در بخش بعدی با توجه به مطالعات صورت گرفته، مصادیق، قوانین و احکام ثابت و متغیر در خصوص قواعد و الگوی‌های نظم‌دهنده به شهر اسلامی تدقیق شده و در پایان به ارائه الگوها و قواعد نظم‌دهنده به شهر ایرانی-اسلامی به صورت جزئی‌تر استخراج و ارائه گردیده است.

۲. مبانی و چارچوب نظری پژوهش

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در باب نظم شهر قلم رانده‌اند؛ اما در خصوص موضوع نظم در شهرهای ایرانی-اسلامی پژوهش و مطالعه کمتری به چشم می‌خورد. پیشینه پژوهش حاضر را می‌توان به دو محور کلیدی تقسیم نمود؛ محوریت اول در رابطه با پژوهش‌های انجام یافته پیرامون موضوع تاریخچه و پیشینه اسلام در شهرها و محوریت دوم در خصوص پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه نظم و شهر ایرانی-اسلامی است. مطالعه و پژوهش‌هایی نظیر سید محسن حبیبی، در کتاب خود «شار تا شهر» به بررسی تاریخ شهرها پیش از ورود دین

اسلام، بعد از ورود دین اسلام و در دوران معاصر پرداخته است. در این کتاب دوره‌های پادشاهی و شکل و فرم شهر در هر دوره گردآوری و بررسی شده است. جهان‌شاه پاکزاد در کتاب تاریخ شهر نیز به بررسی فرمی و کالبدی شهرهای ایرانی پرداخته و تحولات کالبدی، اجتماعی، اقتصادی صورت گرفته در هر دوره را آورده است. بررسی و مطالعه این منابع می‌تواند در خصوص شرایط شهرهای آن دوران اطلاعاتی اولیه در اختیار قرار داده تا مباحث و اصول حاضر در آن‌ها تدقیق شده و استخراج شود. برخی از صاحب‌نظران، نگرشی تمدنی به شهر اسلامی داشته و معتقدند که اسلام دارای فرهنگی جامع و عمومی، فراتر از اعمال مذهبی، است. از نظر هیلن براند، در طول زمان، بسیاری از سنت‌هایی که با ارزش‌های اسلامی انطباق نداشتند، متروک شدند، اما سایر سنت‌ها با اصلاحات جزئی، به صورت بخشی از تمدن اسلامی درآمد [۳۳].

با مقایسه اجمالی دو دین اسلام و مسیحیت (دو دین با ریشه ابراهیمی) به نکات جالب توجهی بر می‌خوریم. مورخان هنر غرب، هنگامی که اصطلاحات عمومی معماری فرهنگ خویش را شرح می‌دهند، از مسیحی نامیدن آن اجتناب می‌ورزند و به جای آن از واژه «غربی» یا «اروپای غربی» استفاده می‌کند [۷]. برخی دیگر از نظریه‌پردازان نگاهی چند بعدی به‌ویژه فرهنگی و اجتماعی به شهر اسلامی دارند. از نظر اتینگهاوزن مزیت تعبیر اسلامی در آن است که برخلاف تعبیر مسیحی، نه تنها به یک دین، که به یک فرهنگ عمومی هم اطلاق می‌شود، زیرا در اسلام جدایی دین از دولت، حتی به گونه‌ای نظری، معنا و مفهوم ندارد. افزودن بر این، برخلاف مسیحیت، دین اسلام را در آغاز افراد معدودی گسترش ندادند، بلکه، اسلام با ایجاد دولتی عظیم که پیروانش با این مفهوم بیگانه بودند توانست بر شمار پیروان خود بیفزاید و به تدریج، خصیصه‌های فکری و هنری خویش را دامنه بخشد و پس از چند سده به امپراتوری شکوفایی تبدیل شود و از این رهگذر، فلسفه، هنر و آموزه اجتماعی خاص خود را پدید آورد [۱۱]. اسلام هم یک سنت دینی و هم یک تمدن است [۳۵]، [۲۸].

پورجعفر و همکارانش (۱۳۹۳) پس از دسته‌بندی موافقان و مخالفان شهر اسلامی، آن را در چهار دسته شامل شهر مسلمانان، شهر امت اسلامی، شهر اسلامی، شهر آرمانی اسلامی تعریف و شاخص‌سازی نموده‌اند [۳۷]. نقی‌زاده (۱۳۹۴) شهر اسلامی از دیدگاه قرآن به تبیین صفات و ویژگی‌های قرآنی شهر اسلامی را از قبیل تقوا، عدالت، ایمان تبیین نموده است [۳۴]. لیتکوهی و سنجر (۱۳۹۳) به بررسی صفات شهر اسلامی از منابع دینی، روایات و احادیث و مطابق با علل مادی، صوری، غایی و فاعلی پرداخته است که علل غایی بیشترین تاکید توجه را به همراه داشته است. به خالدیان، ستار و همکارانش (۱۳۹۳) به بررسی تاثیر اسلام بر روند شهرنشینی و ساخت و سازمان فضایی شهری پرداخته است. به زعم پژوهشگران این تحقیق اسلام به صورت غیرمستقیم و ابتدا بر روی سازمان اجتماعی و ساختار زندگی شهری در ایران تاثیر داشته و در نتیجه این تغییر سترگ سایر شاخصه‌های شهری نیز، که در ساخت سازمان فضایی موثرند، تغییر یافته است [۲۲]. بیات (۱۳۹۲) مولفه‌های شهر اسلامی را از دیدگاه سه تن از متفکران مسلمان، فارابی، ابن خلدون و خانم ابراهیم بررسی نموده است. چارچوب نظری این تحقیق بر سه مولفه انسان (مسلمان)، فضای اجتماعی (فضای مسلمانی) و فضای کالبدی (سیمای شهر) تاکید می‌نماید. مولفه‌های شهر اسلامی شامل مسجد، خانه، بازار، محله و میدان است که در ساختاری ترکیبی فضای شهر اسلامی را ترسیم می‌کنند. به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که در پژوهش‌های موجود با وجود تعدد پژوهش‌ها و تعاریف و ویژگی‌های شهر اسلامی، در خصوص نظم شهر اسلامی و بویژه اصول، قواعد و معیارها و شاخص‌های آن پژوهش جامع و کاربردی انجام نشده است.

چارچوب نظری

انسجام و ایجاد یک مجموعه منظم (ارتباط و پیوند ساختاری عناصر) بسامان همچون رشته‌ای از دانه‌های مروارید از ویژگی‌های یک مجموعه منسجم و واجد نظم، است. نظم همچنین در آیات قرآن کریم^۱ نیز از جایگاه خاصی برخوردار است. در آیات قرآن کریم، نظم به معانی نظم آفرینش و شب و روز و نشانه‌های برای و نشانه‌های برای تفکر؛ قدر و اندازه برای تمامی مخلوقات؛ حساب و نظم در کار خورشید و ماه؛ حساب و نظم در افلاک؛ مقدار و اندازه مشخص برای هر شیء است. نظم همچنین در احادیث شیعه^۲ نیز از بسیار تأکید شده است. در احادیث شیعه به معانی آگاهی، نظم، زندگی، رعایت نظم؛ تقوی و نظم در امور؛ برنامه‌ریزی روزانه؛ دوراندیشی و اندیشه درباره فرجام امور؛ برنامه‌ریزی در زندگی؛ تدبیر و عقلانی است.

فلسفه نظم از دیدگاه اندیشمندان اسلامی. نظم را می‌توان از ویژگی‌های فطری خلقت الهی و انسان برشمرد. انسان حقیقتی است که در مقام علم و عمل با فطرت زندگی می‌کند. معرفت و آگاهی و بینش فطری و گرایش عملی انسان است که تحمیلی نیست؛ بلکه همه‌گیر و همگانی است و نمی‌توان آن را زایل کرد [۱۱]. از نظر شهید مطهری گرایش‌های فطری به صوب کمال وجودی است و همه آن زیر مجموعه کمال‌خواهی مندرج‌اند. این گرایش‌ها شامل ۱- گرایش به حقیقت‌جویی ۲- گرایش به خیر و فضیلت ۳- گرایش به جمال و زیبایی ۴- گرایش به خلاقیت و ابداع ۵- گرایش به عشق و پرستش است [۳۰]. قرآن کریم از «فطرت» به‌مثابه مبنای ثابت و بی‌زمان و مکان مخاطب قرار دادن همه انسان‌ها نام برده و سنت الهی نیز بی‌تبدیل و تغییر وصف شده است. بر این مبنا می‌توان از جمله تجلیات سنت در انسان را همان فطرت ثابت دانست، که هرآنچه در عالم تحت ثبات قرار می‌گیرد بر مبنای سنتی الهی است. در قرآن کریم در آیاتی چند به فقدان تغییر سنت الهی به‌منزله امر بی‌بدیل و بی‌تحویل اشاره می‌شود که «... هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی‌یابی و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت» [۲۱].

فارابی در طرح مدینه فاضله، ساختار اجتماعی انعطاف‌پذیری را مطرح می‌نماید. در سازمان از طبقات اجتماعی کاست‌گونه خبری نیست. وی پیشنهاد می‌کند که در شهر، هر شهروندی باید یک پیشه داشته باشد تا همگان در شهر تأثیرگذار باشند [۲]. فارابی هر چند اذعان دارد که زندگی انفرادی برای انسان ممکن است، اما معتقد است اگر انسان بخواهد راه سلامت و سعادت را در پیش گیرد راهی جز زندگی اجتماعی بر اساس تعاون ندارد [۱۲]. در اصطلاح حکمت متعالیه و قبل آن کتاب تکوین و تشریح یا کتاب تدوین مطرح بوده به همین دلیل نمی‌توان این دو را از ابداعات ملاصدرا دانست چون قبل او هم در آثار فلسفی متفاوتی تکوین و تشریح مکرراً با یکدیگر آمده‌اند. مخاطب امر تکوینی جهان و نظم حاکم برجهان است در چنین اموری هیچگاه عصیان وجود ندارد، مثلاً خورشید هیچ‌گاه نمی‌تواند بگوید من امروز دلم می‌خواهد از سمت دیگر طلوع کنم اما در امر تشریحی، عصیان اتفاق می‌افتد و جبری در کار نیست. به تعبیر ملاصدرا بشر آزاد است که هر کاری می‌خواهد انجام بدهد اما سعادتش در این است که راه مستقیمی که خدا برای سراسر جهان قرار داده است را برود. به عبارتی از نظر ملاصدرا رسیدن به کمال انسانی زمانی اتفاق می‌افتد که انسان در گردونه مقررات که همان نظم عمومی است قرار بگیرد. به تعبیر ملاصدرا نظم عمومی شامل مقرراتی که برای بشر با مقررات جهانی حاکم برهستی منطبق است [۲۷].

^۱ الذی خلق فسوی همان کسی که پس از خلق، هماهنگی بخشید؛ «إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (ما هر چیز را آفریدیم اما به اندازه‌ای و هر چیز قدر و اندازه دارد؛ «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (هر چیزی اندازه دارد؛ «وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» یعنی هر چیزی نزد خدا اندازه دارد [۱].

^۲ اوصیکما و جمیع اهلی و ولدی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم " شما را (ای حسن و حسین) و همه خانواده و فرزندانم و هر کس را که نوشته من به او می‌رسد، به تقوای الهی و نظم در کارهایتان سفارش می‌کنم [۲۵].

نظم در تعریف خود فلسفه هم وجود دارد. فلسفه ادراک نظام وجود و نظام عالم است، آنچنان که هست، علاوه بر آن تبیین نظام وجود بدون شناخت حقیقت اشیاء امکان‌پذیر نیست. ضمناً پی بردن به نظام عالم امری عقلی است، یعنی عقل درک می‌کند ولی خیال خیر. به همین دلیل اول خدا بوده است بعد عقل به وجود آمده است به عبارتی نظم مطلق را خدا درک می‌کند و ما به اندازه خودمان از آن شناخت پیدا می‌کنیم. به این ترتیب نظم هم در عالم کبیر وجود دارد و هم در عالم صغیر، هم در آفاق وجود دارد و هم در انفس چون یک مبدأ دارد و به یک اصل الهی برمی‌گردد [۳]. خداوند ناظم، خالق، صانع و مبدع است و همین خدا انسان نظم‌شناس به وجود آورده است اما این انسان نظم‌شناس که از نظر شریعت تکلیفش روشن است، تکلیفش با خودش روشن نیست و خاطر همین بی‌نظمی می‌کند. افراط و تفریط فقط مخصوص آدم است وگرنه هیچ فرشته‌ای کار فرشته دیگری را انجام نمی‌دهد [۱۰].

ایجاد نظم عمومی در جامعه یک قاعده طبیعی است و مخالفت با نظم عمومی فساد به وجود می‌آورد، مثلاً تصور کنید در عالم یک خدای دیگری هم وجود داشت، در این صورت نظم عالم به هم می‌خورد و اگر نظم عالم به هم می‌خورد فساد دنیا را فرا می‌گرفت. اقتضای نظم تکوینی در عالم این است که خداوند آدم‌ها را هدایت کند، به همین ترتیب دو نوع هدایت وجود دارد: هدایت ارائه طریق یعنی اینکه فقط نشانی را می‌پرسند و ما به کسی که نشانی را پرسیده آگاهی و راه را نشان می‌دهیم ولی در گونه دیگر هدایت وقتی کسی نشانی می‌پرسد دستش را می‌گیرند و به نقطه غایت می‌رسانند مثل کودکی که او را به مقصدش می‌رسانیم. از آن‌جا که برای موجودی مثل انسان که شعور و آگاهی دارد رساندن و دستش را گرفتن نوعی توهین محسوب می‌شود خداوند انسان را به وسیله قانون و قرآنی که فرستاده ارائه طریق کرده است. معنی مدینه «نظم» است نه «شهر». مصادیق مخالفت با نظم عمومی از نظر امام علی(ع) بدعت یا فتنه نامیده شده است و ایشان بارها فرمودند که علم‌دار بدعت و فتنه نشوید یعنی در قانون نوآوری نکنید و هنجارهای آن را نشکنید. علاوه بر آن در قرآن هم خروج از نظام فلسفه نظری و انکار به توحید کفر و فسق نامیده شده است. نتیجه آنکه جامعه بدون نظم یک جامعه بیمار است ولی راه درمان و علاج برای آن وجود دارد، جامعه با نظم هم مثل بدن انسانی است که در آن هرعضوی کار خودش را به درستی انجام می‌دهد [۲۳]. نظم اجتماعی در راستای نظم الهی بوده و نظم الهی از طریق شریعت اسلامی یعنی احکام و قوانین اسلامی که تکالیف مسلمانان را مشخص نموده است محقق می‌شود. نظم اجتماعی که باید دنباله‌رو نظم الهی باشد برای رسیدن به سعادت نیازمند زندگی اجتماعی و تعامل با اجتماع هست که قوانین شریعت تنظیم‌کننده و سیستم انتظام‌بخش شهر اسلامی عمل می‌نماید.

شهر ایرانی-اسلامی. مهم‌ترین قاعده تنظیم‌کننده روابط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در شهر اسلامی قاعده حلال و حرام است. علل احکام و مقرراتی که در جامعه اسلامی اجرا می‌شود، دو قسم مختلف است: احکام ثابت غیرقابل تغییر و احکام و مقررات قابل تغییر. احکام و قوانین آسمانی اسلامی که به واسطه وحی به رسول اکرم نازل شده و ما آن‌ها را شریعت اسلام و احکام الله می‌نامیم، به موجب مدارک قطعی که در کتاب و سنت است، مقرراتی است ثابت و غیرقابل تغییر و اجرای آن‌ها و مجازات متخلفین آن‌ها به دست مقام ولایت و رهبر اسلامی انجام می‌گیرد. مقررات اسلامی بر دو قسمند، و به عبارت دیگر در جامعه اسلامی دو نوع مقررات اجرا می‌شود:

الف- قوانین ثابت و ابدیت دین و شریعت: احکام آسمانی و قوانین شریعت که مواردی ثابت و احکام غیر قابل تغییر هستند، یک سلسله احکامی هستند که به وحی آسمانی دین فطری غیرقابل نسخ بر رسول اکرم (ص) نازل شده‌اند و برای همیشه در میان بشر واجب الاجراء معرفی گردیده، چنانکه در آیه اشاره می‌شود: «فطرة»

الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم»؛ (با همان فطرتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. تغییری در آفرینش خدا نیست. آیین پایدار همین است) [۲۴].

در میان همین قوانین مدنی نیز نمونه‌های بسیار از مواد ثابت داریم، مانند: وجوب زندگی اجتماعی و اصل دفاع از مقدسات، و اصل اختصاص مالی، و تأسیس حکومت و نظایر آن‌ها. پس در هر قانون و روش اجتماعی که فرض شود از یک رشته مواد ثابت چاره‌ای نیست، و مواد و قوانین ثابت که اسلام تشخیص می‌دهد، احکامی است که مجموعاً شریعت نامیده می‌شود.

ب- قوانین متغیر و مصلحت جامعه: مقرراتی است که از کرسی ولایت سرچشمه گرفته، به حسب مصلحت وقت وضع شده و اجرا می‌شود، این نوع مقررات در بقا و زوال خود تابع مقتضیات و موجبات وقت است و حتماً با پیشرفت مدنیات و تغییر مصالح و مفساد تغییر و تبدیل می‌یابد [۱۶]. این احکام و مقررات جنبه موقتی و محلی داشته و با اختلاف طرز زندگی، اختلاف پیدا می‌کنند. این بخش با پیشرفت تدریجی مدنیت، تغییر و تبدیل قیافه اجتماعات و به وجود آمدن و از بین رفتن روش‌های تازه و کهنه، قابل تغییر است (جدول ۱).

جدول ۱. بررسی علل اربعه برای نظم اجتماعی شهر ایرانی_اسلامی، مأخذ: نگارنده

علل اربعه	شهر اسلامی
علت مادی	مسجد کانون اجتماعی و فرهنگی شهر - وحدت و یکپارچگی اجتماعی - امکانات عام‌المنفعه به‌ویژه بازار اسلامی - خانواده‌ها، خانه‌ها و محله‌ها - فضاهای عمومی امن - آیین‌ها و رویدادهای اجتماعی و فرهنگی - قوانین شریعت - تعاملات اجتماعی
علت صوری	امت اسلامی - اجتماعات یکپارچه - آیین‌ها و رویدادهای اسلامی (برگزاری نماز جماعت) - حجاب و عفاف - احکام اسلامی و قوانین شریعت -
علت فاعلی	حاکم شهر اسلامی - مسلمانان - فرهنگ اسلامی_ ایرانی - حکومت اسلامی - مدیریت شهری و نمایندگان مردم - حرفه‌مندان و متخصصان
علت غایی	تشکیل جامعه اسلامی - مدینه فاضله - نیل به سعادت دنیوی و اخروی - اجرای احکام اسلامی - حق‌الله و حق‌الناس - انجام واجبات و ترک محرّمات - رضایت پروردگار

دین اسلام دارای شیوه زندگی، با ایده‌ها و آرمان‌های اجتماعی و نگرشی بر مدار ارزش‌ها است و نه قوانین خودکامه غرب و یا قوانین مبتنی بر مکتب رئالیسم غرب [۳۲]. اسلام دربرگیرنده بسیاری از اصول نظام اجتماعی است که سبب هماهنگی زندگی و ارتقای ابعاد اجتماعی_ فرهنگی می‌شود. جامعه و جماعت یکپارچه، متحد و متعهد، در اسلام مورد توجه ویژه قرار گرفته است. خداوند بزرگ بر وظیفه الهی هر مسلمان در حفظ یکپارچگی اجتماعی یعنی تشکیل امت واحد تأکید دارد. بر همگان واضح است که اسلام پذیرای تمام مردم، صرف‌نظر از نژاد و عقیده است و بر عدالت اجتماعی ارجح می‌نهد. این خود تنظیم‌کننده اجتماع است [۳۷]. بنابراین مساوات و برادری، عدالت اجتماعی و وحدت و یکپارچگی اجتماعی، فارغ از نژاد و عقیده، مهم‌ترین وجه نظم اجتماعی در شهر اسلامی محسوب می‌شود که مسلمانان را به سمت سعادت هدایت می‌نماید.

شهر در فرهنگ اسلامی با افرادی که در آن زندگی می‌کنند، هویت می‌یابد. کلمه شهر، جامعه را به یاد می‌آورد که باید منسجم، گرم و متحد باشد. در این صورت، خیابان‌ها و کوچه‌ها به منظره راهرو و خانه‌ها به منزله اتاق‌هایی هستند که خانواده از آن‌ها استفاده می‌کند [۴]. نگاه اجتماعی به شهر در فرهنگ اسلامی سبب می‌شود که جوامع شهری بر جوامع روستایی برتری داشته باشد، زیرا اهداف عقیدتی و مذهبی اسلام در شهر راحت‌تر به دست می‌آید. از نظر کاستللو، اسلام یک دین، عامل اصلی و مؤثر بر فرهنگ و روابط اجتماعی محسوب می‌شود؛ چرا که قوانینی دارد که بر برابری تمامی مردمی که به آن ایمان می‌آورند، تأکید دارد [۸]. در همین زمینه باید به حدیثی از امام علی(ع) اشاره نمود که در نامه‌ای به حارث همدانی فرموده‌اند: در شهرهای بزرگ

سکونت کن زیرا مرکز اجتماع مسلمانان است و از جاهایی بپرهیز که مردم آن از یاد خدا غافلند و به یکدیگر ستم روا می‌دارند و بر اطاعت از خدا به یکدیگر کمک نمی‌کنند [۲۵].

شهر مسلمانان به شهری اطلاق می‌شود که یک یا مجموعه‌ای از خصوصیات زیر را دارا باشد: در دوره اسلامی ایجاد شده باشد؛ در دوره اسلامی رشد یافته باشد؛ مسلمانان آن را بنا کرده باشند؛ در محدوده کشورهای مسلمان‌نشین واقع شده باشد؛ شهر کم‌وبیش از اصول و تعالیم اسلامی بهره‌مند باشد [۳۴]. در شهرهای مسلمانان، هر دیار آن تا حدودی بر اساس قرائت خود از اسلام، منافع و فرهنگ پیشین خود (زرتشتی، هندو، مسیحی) برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و مدیریت می‌شدند. شهر اسلامی، شهری است که برای رسیدن به آن بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام و نه خرده فرهنگ‌ها و عرف جوامع (جهت برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و مدیریت) تلاش شود. شهر آرمانی اسلامی شهری است مدینه فاضله‌ایست بهشت‌گونه، ایده‌آل و آرمانی که برای رسیدن به آن تلاش کرده و کاملاً بر اساس دین مبین اسلام برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا و مدیریت شود [۳۷].

شهرهای دوران اسلامی، سازمانی ویژه داشته که برابری شهروندان و امکان دسترسی یکسان آنان به خدمات شهر به نمایش گذاشته؛ بنابراین، سازمان فضایی در شهرهای این دوران مبتنی بر تعریف مرکز خدمات عمومی، زیرسیستم‌ها، شامل محله‌های نیمه مستقل و مجموعه‌های خدمات و ساختاری باشد که در پیوند با یکدیگر قرار می‌گیرند. در نتیجه ریشه‌های نظم و یکپارچگی موجود اکثر شهرهای جهان اسلام به واسطه مجموعه‌ای از راهبردها و اصول اجتماعی، اجرایی و سیاسی اسلامی است که خود را در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی نشان می‌دهد (جدول ۲) و این سبب شده است تا بر خلاف اختلافات اقلیمی، تاریخی و فرهنگی و قومی شاهد روح مشترکی در شهرهای دوران اسلامی در تمام جهان اسلام باشیم [۲۲].

جدول ۲. مهمترین ویژگی‌های شهر ایرانی - اسلامی در ارتباط با نظم و وحدت [۳۳].

نظریه پرداز	اوصاف شهر اسلامی	ارتباط با نظم اجتماعی
فارابی	مدینه فاضله، ضرورت زندگی اجتماعی برای رسیدن به سعادت	زندگی اجتماعی برای نیل به سعادت
علامه طباطبایی	ضرورت زندگی اجتماعی - احکام ثابت و متغیر - قواعد حلال و حرام	نظم اجتماعی با قاعده حلال و حرام
لیلا علی ابراهیم	تبیین شهر اسلامی از طریق قرآن و حدیث - آیات قرآن قواعد کلی نظریه و اصول اساسی یعنی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی شهر مسلمانان احادیث پیامبر (ص) تشکیل می‌دهند - ارائه الگوهای مدیریت توسعه یافته در مناطق مسکونی - جذب مشارکت جماعت در حفاظت از فضاهای عمومی	نظم قرآنی شهر اسلامی نظم اجتماعی بر پایه احادیث پیامبر
هشام مرتضی	عدالت اجتماعی، یکپارچگی اجتماعی، تعاملات اجتماعی، احترام، مهربانی، تواضع، اعتدال و میانه‌روی	نظم و وحدت اجتماعی، الگوهای اخلاقی در اجتماع، اعتدال
کاستللو	نگاه اجتماعی به شهر در فرهنگ اسلامی - برتری جوامع شهری بر جوامع روستایی - برابری تمامی مسلمانان	عدالت اجتماعی
نجم‌الدین بemat	شهر و جامعه منسجم - گرم و متحد - تمام شهر به‌عنوان یک خانه - تفکر ایمانی و توحیدی در شهر اسلامی بارز است	انسجام و وحدت اجتماعی، نظم توحیدی
محمد نقی زاده	صفات شهر اسلامی در قرآن: توحید، عبودیت و عبادت، تقوی، هدایت، تفکر، عدالت، اصلاح، شکر، عبرت، امنیت، احسان، میانه‌روی	صفات قرآنی برای شهر اسلامی
سید حسین نصر	عدالت محوری، سیر از کثرت به وحدت، سیر از ظاهر به باطن	عدالت، سیر از کثرت به وحدت
خالدیان و دیگران	شریعت و احکام اسلامی برای رشد انسان - شهر اسلامی ماهیت فرهنگی و اجتماعی دارد و عناصر کالبدی شهر در خدمت نظم اجتماعی؛ ساخت اجتماعی، سایر ابعاد شهری را معنادار می‌نماید.	ماهیت اجتماعی و فرهنگی شهر اسلامی - نظم اجتماعی برگرفته از شریعت و احکام اسلامی
اتینگهاوزن، عثمان، موریس، ریچارد فرای	اسلام اساساً دینی شهری و مدنی است - اسلام هم یک سنت دینی و هم یک تمدن است - دین اسلام دارای یک فرهنگ عمومی است	نگاه تمدنی (نظم فرهنگی و اجتماعی برگرفته از سنت و احکام

هیلن براند

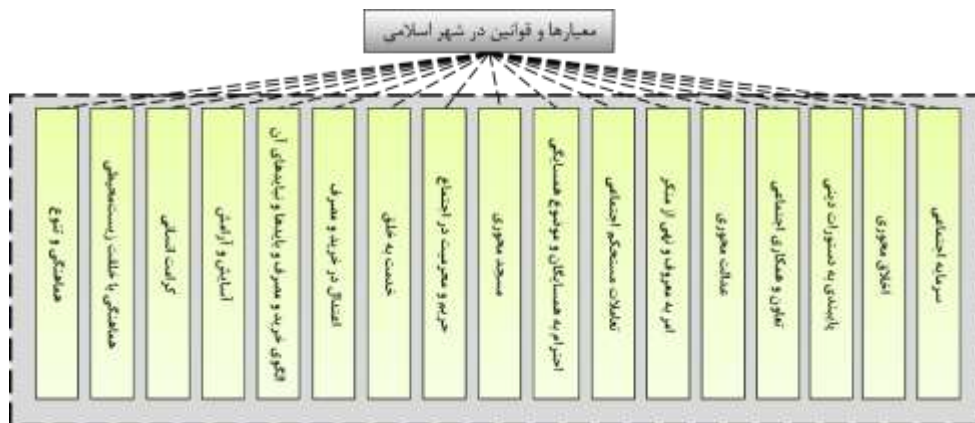
مارسی

رابطه بین ایمان اسلامی و زندگی شهری را مطرح می‌کند

نقش ایمان در نظم اجتماعی

علامه طباطبایی جامعه را همانند پیکره زنده‌ای متشکل از عناصر گوناگون می‌داند. جامعه متشکل از اجزای گوناگون (افراد، نهادها و سازمان‌ها) را دارای وجودی مستقل و حقیقی دانسته، برای آن قوانینی مستقل از قوانین افراد است. از نظر علامه طباطبایی انسان موجودی اجتماعی است و برای زندگی اجتماعی که از مقتضیات اولیه طبیعت اوست، به نظم، امنیت، تعاون، عدل و داد نیاز دارد تا بتواند با هم‌نوعان خویش دارای روابط سالم باشد و با تعاون و معاضدت به زندگی جمعی خود ادامه دهد. که البته تأمین این امور جز با ایجاد یک قدرت مدیر و مدبر که ما نام آن را حکومت گذاشته‌ایم ممکن نیست. تحقق عدالت اجتماعی، روابط و مناسبات سالم انسانی و حفظ کیان و کرامت آدمی، جز در پرتو احکام الهی ممکن نیست. در شیوه حکومت‌های اسلامی را در دوران مختلف، توجه بر سه حکم ثابت لازم است: ۱) وحدت و اتفاق مسلمانان (۲) وجوب حفظ مصلحت اسلام و مسلمین (۳) احکام الهی یا اعتقاد، مرز جامعه اسلامی است و نه مرزهای طبیعی و قراردادی.

ریشه قانون‌گذاری برای حکومت اسلامی، احکام ثابت و متغیر، است و شکل اداره جامعه اسلامی، تابع سه ماده ثابت شرعی است: احکام الهی، مصلحت مسلمین، و وحدت امت اسلامی. «اسلام دینی است که بنیان خود را بر اجتماع نهاده و این معنا را به صراحت اعلام کرده و در هیچ شأنی از شئون بشری مساله اجتماع را مهمل نگذاشته است» [۳۸]. دین اسلام به مسائل اجتماعی توجه خاصی دارد و فقط جنبه‌های فردی را مورد بررسی قرار نمی‌دهد، راه رسیدن به سعادت را در تشکیل جامعه اسلامی دانسته و تغییر و رشد در یک جامعه را نتیجه تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های همه مردم آن جامعه برمی‌شمرد. در قرآن کریم آمده است خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر خودشان بخواهند [۱]. مسائلی همچون مشارکت اجتماعی، عدالت اجتماعی و مؤلفه‌هایی از این قبیل که در بعد اجتماعی قرار دارند در آیات و احادیث مورد تأکید قرار گرفته‌اند [۲۰]. بنا به نظر فارابی و ابن خلدون، اخلاق از سجایای وجودی فردی است، اما در متن و بطن رابطه با دیگران در فضای زیست اجتماعی متجلی می‌شود و تمام تأکید دین مبتنی بر همین تجلی اخلاق است که در روابط فردی، محیط همسایگی، محیط کاری، فضای اقتصادی و غیره به نمایش گذاشته می‌شود. در شهر اسلامی الگوی روابط بین شهروندان مسلمان و نیز روابط بین شهروندان با نهادهای اجتماعی بر اساس ارزش‌های اسلامی تنظیم و اجرا می‌گردد [۵]. نظم اجتماعی در شهر اسلامی که با غایت نیل به سعادت و با محوریت قوانین شریعت ایجاد می‌شود دارای معیارها و احکام عملی است که کاربست آن‌ها در تبیین نظری و تحقق عملی شهر اسلامی می‌تواند راهگشا باشد. این معیارها و قوانین در شکل ۱ نشان داده شده و در ادامه پژوهش توضیحاتی در باب آن‌ها آورده شده است.



شکل ۱. معیارها و قوانین در شهر ایرانی - اسلامی

سرمایه اجتماعی: مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در سطح خرد و میانی شامل اعتماد، تعامل متقابل، شبکه، روابط همسایگی و مشارکت اجتماعی است. این امر در بستر اسلامی از طریق رابطه بین افراد شکل می‌گیرد [۳۶]. سرمایه اجتماعی از مهم‌ترین پایه‌های تداوم حیات شهر، به‌ویژه در مواقع بحرانی و مسائل شهر محسوب می‌شود.

اخلاق محوری: اخلاق توانایی تبدیل سیئات به حسنات، باطل به حق، صفتهای قبیح را به خصلتهای نیک و ظلم را به عدل دارد [۱۹]. اخلاق اسلامی دارای روش‌های مؤثری همچون عفو و گذشت، حق‌مداری، رعایت حقوق دیگران، صبر و بردباری است که در ابعاد مختلف شهر اسلامی به‌ویژه در مدیریت شهری قابل تحقق است.

پایبندی به دستورات دینی: در نگاه قرآنی، تنها ضامن حفظ اجتماع، عمل به شرایع الهی برشمرده شده است. آیه ۲۱۳ سوره بقره نشان می‌دهد که خدا انبیاء را برانگیخت و با آنان کتاب فرستاد تا به‌وسیله آن کتاب، اختلاف‌ها را برطرف کرده و وحدت‌شان را به‌وسیله قوانینی که تشریح فرموده حفظ کند. ضمن آنکه در بسیاری از شرایع دینی مانند نماز جماعت، جهاد، حج، زکات در بستر اجتماع معنا می‌دهند و انجام آن‌ها به حفظ و تقویت امت اسلامی منجر خواهد شد [۹]. از این‌رو انجام واجبات و ترک محرّمات، مهم‌ترین وظیفه اجتماع است که اهتمام تمام اجزاء جامعه را تحقق آن می‌طلبد. تجلی جمعی این تکالیف، اجتماعی واحد و اسلامی را شکل می‌دهد و الگویی برای جامعه اسلامی خواهد بود.

تعاون و همکاری اجتماعی: طرح موضوع مدینه فاضله و ضرورت اجتماعی بودن افراد، بر موضوع مشارکت تأکید می‌کند و افراد را ملزم به زندگی با مشارکت و تعاون با یکدیگر می‌داند [۱۰]. در آیات ۶۲ و ۶۳ سوره نور مشارکت به گونه زیر تبیین می‌شود: ۱. حضور و تعاون عموم مردم در هر کار یا فعالیت مهم ۲. عامل مشارکت و تعاون معطوف به ایمان ۳. مشارکت مداوم در امور ضروری و جمعی ۴. تأکید بر حضور تمام افراد در مساله تصمیم‌گیری و فقدان غیبت حتی یک نفر ۵. تقدم امور مشارکت از بسیاری امور دیگر از نظر خداوند ۶. آفت و آسیب در صورت ترک امور مشارکتی [۲۰]. همچنین همیاری و کمک به نیازمندان و فقرا، مشارکت در مراسمات و رویدادهای اجتماعی، مشارکت در امور خیریه نمونه‌هایی از مشارکت اجتماعی در فرهنگ ایرانی اسلامی هستند.

عدالت محوری: از نظر شهید مطهری خیر و فضیلت بر اساس گرایش‌های فردی و اجتماعی آن بر مبنای جهان‌بینی اسلامی بر پایه عدالت معنا می‌یابد. عدالت و عدل به معنای قرار دادن هرچیز سر جای خود، آن که هر چیز بر اساس حساب و کتابی آورده شده است و نظم خاصی بر آن حکمفرما باشد [۳۱]. در دین اسلام اعتدال یکی از موارد موکد است. اعتدال، یعنی میانه‌روی و حد فاصل میان افراط و تفریط که چنین کاری از نظر اسلام، در همه چیز مطلوب است. قرآن مسلمانان را به سبب پیروی از اسلام به‌منزله «امت وسط» یعنی امت معتدل معرفی می‌کند و می‌فرماید: «و کَذَلِکَ جَعَلْنَاکُمْ اُمَّةً وَّسَطًا؛ و این گونه شما را امت میانه قرار دادیم» [۱].

امر به معروف و نهی از منکر: مهم‌ترین دستور اسلام در راستای تحقق نظارت اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر است. در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران، امر به معروف و نهی از منکر، مهم‌ترین نشانه و امتیاز امت اسلامی شمرده شده است، جامعه در اسلام، بر مبنای این فریضه قوام می‌گیرد و این مهم، نه تنها از مسئولیت‌های اجتماعی است، بلکه از حقوق اجتماعی نیز به شمار می‌آید [۹].

تعاملات مستحکم اجتماعی: اسلام به روابط اجتماعی به‌منظور کاهش انزوای مردم از دیگران و به زندگی اجتماعی در مقیاسی وسیع‌تر و گروهی تشویق می‌کند. روابط مستحکم اجتماعی در قرآن مجید با تعبیر «برادری» به‌منزله زیربنای فعالیت‌های همگانی جامعه مسلمانان مورد تأکید قرار گرفته است: «همانا مؤمنان با

هم برادرند، پس همیشه میان برادران خود صلح دهید و از خدا پروا دارید» [۹]. اسلام به رفتارهای اجتماعی بسیار اهمیت می‌دهد و این مهم به وضوح در آیات و احادیث دیده می‌شود. اساس اجتماعی دین اسلام را می‌توان بر مهرورزی، محبت، کمک به مردم، احسان و رفتاری متناسب با کمالات اخلاقی دانست.

احترام به همسایگان و موضوع همسایگی: امام علی(ع) در اهمیت همسایگی فرمودند: «خدا را در مورد همسایگانتان، زیرا پیامبر ایشان را مورد سفارش قرار داد و آن قدر توصیه کرد که گمان بردیم به زودی برایشان حق ارث تعیین خواهد کرد» [۲۴]. در دین اسلام مجموعه‌ای از اصول اخلاقی و تکالیفی در قبال همسایگان در نظر گرفته شده است که حاکی از اهمیت والای این همنشینی دارد. این امر زمینه و بستری مناسب و مطلوب در جهت ارتقا کیفیات محلات و امنیت فراهم می‌آورد.

مسجد محوری: از آغاز ظهور دین اسلام، هسته مرکزی ساختار اجتماعی، مساجد معرفی شده و تأکید ویژه‌ای بر این امر شده است. این عنصر شهری باارزش، تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری ساختار شهری نیز داشته است. «مسجد محوری یکی از مهم‌ترین اصول معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی است. مساجد اولین و شاخص‌ترین عنصر شهرهای مسلمانان هستند که علاوه بر نقش مذهبی، نقش اجتماعی و نشانه شهری را نیز بازی می‌کند. مساجد با توجه به اهمیت و جایگاه والایشان در شهرهای مسلمانان از عالی‌ترین عوامل هویت‌دهنده همه مجتمع‌های زیستی مسلمانان بوده‌اند. علاوه بر آن نقش پررنگی در ایجاد سرزندگی و پایداری اجتماعی و کالبدی محلات شهرهای اسلامی دارد» [۲۶].

حریم و حریمیت در اجتماع: رعایت حریم و حریمیت یکی از اصول و روش‌های تنظیم ارتباط با دیگران است. در دیدگاه دین مبین اسلام حریم شخصی، خانوادگی، جایگاه و ارزش ویژه‌ای دارد. این مهم در تمام ابعاد زندگی مردم نظیر: نحوه پوشش، پوشیدگی زندگی در داخل خانه، سلسله مرتب فضاها، اصول اخلاقی و معرفتی تجلی یافته است. تحقق ویژگی‌ها و اصول اجتماعی دین اسلام می‌تواند در قالب راهبردی تحت عنوان محله محوری به منصفه ظهور برسد. اصول اجتماعی اسلام استحکام واحدهای اجتماعی نظیر خانواده، محلات و شهر را در پی دارد. معیارهای شهر و شهرسازی اسلامی، در قالب واحدهای کوچکتر تحت عنوان محله نمود پیدا می‌کند. مراکز محلات مسجد بوده که مرکز تعاملات اجتماعی و حضور مردم است. در دین اسلام اصول و هنجارهایی در خصوص نحوه ورود و حضور در اجتماع نظیر: پرهیز از حضور بی‌مورد و بی‌هدف و رعایت عفت و حیا و پرهیز از خودنمایی و تظاهر وجود دارد.

خدمت به خلق: شهید مطهری در کتاب «انسان کامل» معتقد است که از ارزش‌های قاطع و مسلم انسان که اسلام آن را صددرصد تأیید می‌کند و ارزشی انسانی است، خدمتگزار خلق بودن است [۲۹]. از نظر اسلام خدمت کردن به خلق و احسان به مردم، خدش یک ارزشی از ارزش‌های انسانی و الهی است. محبت و خدمت به مردم و درد مردم داشتن از نظر اسلام خود یک کمال و یک ارزش و یک نیکی است و مقامش هم بسیار عالی است. خدا مسلمان‌ها را یکی به عدل امر می‌کند و فرمان می‌دهد و دیگری به احسان، که از نظر اخلاقی-نه اجتماعی- بالاتر از عدل است. خدا فرمان می‌دهد که نه تنها پا روی حقوق مردم نگذارید و تجاوز به حقوق مردم نکنید بلکه از حقوق مشروع خود، به مردم نیکی کنید ایثار یک اصل قرآنی است. ایثار یعنی گذشت، یعنی مقدم داشتن دیگران بر خود در آنچه مال خود انسان است و به آن کمال احتیاج را دارد و در عین کمال احتیاج، دیگری را بر خود مقدم می‌دارد. ایثار یکی از باشکوه‌ترین مظاهر انسانیت است و قرآن، عجیب ایثار را ستوده است [۲۹].

اعتدال در خرید و مصرف: اسلام اصل میانه‌روی را رمز کامیابی دانسته و معیارهای کلی روش اعتدال‌آمیز را بیان داشته، از این‌رو مصرف‌کننده مسلمان برای دستیابی به حداکثر پاداش الهی، در تمام موارد تخصیص درآمد به اعتدال عمل می‌کند [۱۲]. قرآن کریم بایدها و نبایدهایی را برای مصرف انسان بیان نموده است که شامل میانه‌روی، تعادل، توازن، کمک به دیگران و پرهیز از اسراف و تجمل‌گرایی و ثروت‌دوستی است.

الگوی خرید و مصرف و بایدها و نبایدهای آن: در خصوص آداب خرید و مصرف و باید و نبایدهای آن موارد متعددی است که از آن‌ها پرهیز از بازارگردی است. امام صادق (ع) فرمود: «از بازارگردی بپرهیز و عهده‌دار خرید پیاپی چیزهای جزئی و ریز مشو؛ چرا که تصدی تهیه آن‌ها برای فردی باشخصیت و دینمدار ناپسند است [۱۶]. انواع مصرف در نگرش اسلامی سه نوع است که مصرف بخیلانه و مصرف مسرفانه از دیدگاه اسلام نکوهیده شده و به پرهیز از آن‌ها توصیه شده است. که رسول خدا (ص) می‌فرماید «بدترین امت من مرفهان خوشگذارانی هستند که جسم‌هایشان بر اسراف می‌روید. در تعالیم آسمانی اسلام بر «تشویق به تولید و اعتدال و قناعت در مصرف» تأکید شده است. در خصوص معیشت معتدلانه در آیات و روایات فراوانی بر این اصل دلالت دارند؛ رفاه و آسایش واقعی آدمی در مصرف بی‌رویه نیست؛ بلکه در بی‌نیازی و فقدان وابستگی به دیگران است.

آسایش و آرامش: شریعت اسلامی، بر حالت یسره و نفی حرج [۱] مبتنی است. براین اساس، اراده خداوند بر آن است که زندگی انسانی، علی‌الاصول راحت و بی‌مشکل باشد. معماری و شهرسازی نیز که نوعی برنامه‌ریزی در فضای کالبدی مردم است از این اصل مستثنی نیست. برای مثال، توجه به مسئله امنیت و احساس آرامش و راحتی در طراحی محلات باید به خوبی لحاظ شود. همچنین، در جامعه اسلامی، انجام دادن تکالیف مذهبی نباید سخت باشد و باید مدل شهرسازی و شکل معماری به انجام دادن تکالیف شرعی کمک کند. این اصل می‌تواند در کارایی و راحتی استفاده از مبلمان شهری، فضاهای عبوری و نشیمن در نظر گرفته شود. همچنین کارایی و راحتی مذکور با دید برای تمامی سنین، گروه‌های اجتماعی نظیر زنان، کودکان، سالخوردگان لحاظ شود.

کرامت انسانی: کرامت، نحوه وجود و هستی خاصی است که کامل‌ترین مصداق آن برای خدای سبحان ثابت است که دارای عالی‌ترین درجه وجود بوده، بلکه خود، هستی محض است و چون معنای کرامت، هم بر واجب‌الوجود و هم بر ممکن به نحو اشتراک معنوی، نه لفظی اطلاق می‌گردد [۱۴].

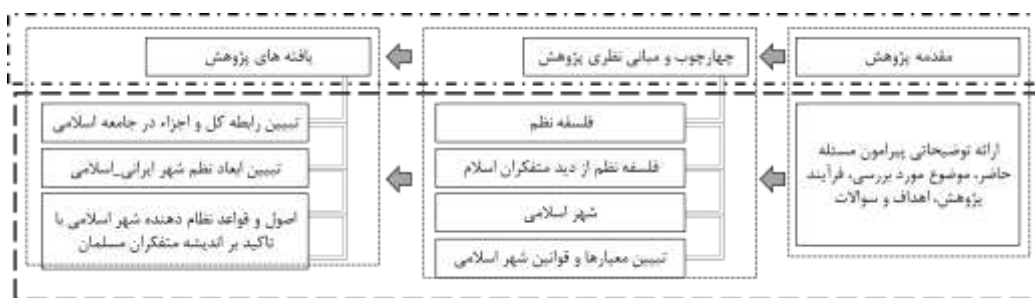
هماهنگی با خلقت زیست‌محیطی: در حکمت متعالیه ارتباط انسان و جهان و بالطبع ارتباط انسان با طبیعت از اساسی‌ترین بخش‌های فلسفه صدرایی محسوب می‌شود [۶]. از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، انسان موظف است که در نگرش فطری به‌جای لفظ طبیعت باید از واژه خلقت استفاده نمود و نظم و هماهنگی فطری را در تعامل با خلقت زیست‌محیطی و رعایت حق زمین، آب و هوا و خاک حاصلخیز، درختان و جنگل‌ها، مراتع و فضای سبز، راه‌ها و جاده‌ها، باد و باران، مواد سوختی، نهرها و دریاها رعایت نمود. در آموزه‌های دینی هم از آلوده کردن محیط زیست نهی شده و هم به پاک‌سازی آن در صورت آلوده شدن ترغیب و امر شده است؛ چنان‌که پیامبر (ص) و فرمودند: «خدا پاک است و پاکی را دوست دارد، پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد؛ پس آستان زندگی خود را پاکیزه کنید» [۱۶].

هماهنگی و تنوع: نظم و پیچیدگی در بافت فضایی و کالبدی شهرها باید از الگو و قاعده‌ای تبعیت نماید که علاوه بر تأمین وحدت و اعتدال، از نظم و تنوع فضایی و کالبدی برخوردار باشد. نظم که از ضروریات هر واقعیتی است و ارتباط بین اجزاء و ارتباط با عناصر دیگر نیازمند برقراری روابطی منظم بین اجزاء است. از طرفی دیگر تنوع نیز یکی دیگر از نیازمندی‌های روحی انسان و نیز تفاوت از ویژگی‌های اجتماع در اثر آزادی انسان‌ها و امکان انتخاب و تفاوت‌های گوناگونی فردی است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که (۱) نظم و هماهنگی فضایی و کالبدی یکی از الزامات هر بافت و بنا و مجموعه‌های فضایی و کالبدی است که علاوه بر هماهنگی با بناها و فضاهای پیرامون به هماهنگی بنا با زمینه و محیط پیرامون نیز مربوط می‌شود. (۲) تنوع فضایی و کالبدی به حدی که از یکنواختی و نظم خشک کاسته و به اغتشاش و آشفتگی منجر نشود و موجب دلپذیری فضا و ایجاد مجموعه‌ای هماهنگ و متنوع با رعایت اعتدال در مسیرها، جداره‌ها، نظام توده-فضا، خط آسمان شود. (۳)

وحدت و انسجام فضایی-کالبدی؛ به طوری که کل بافت مجموعه‌ای منسجم و واحد و کلیتی یکپارچه از بناها و فضاها ایجاد شود.

۳. روش‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر، تبیین و روشن کردن جایگاه نظم در شهر ایرانی-اسلامی است. در این پژوهش سعی بر روشن نمودن این موضوع است که دین مبین اسلام و متفکران مسلمان دارای اصول و مبانی بنیادی نظم در ابعاد مختلف زندگی مسلمانان است که بر اساس آن شهر ایرانی-اسلامی توصیف و تحلیل می‌شود. در این راستا پرسش‌های پژوهش حاضر شامل: اصول و قواعد اسلامی نظم‌دهنده در شهر ایرانی-اسلامی از دید متفکران اسلامی چیست؟ پژوهش حاضر با توجه به پرسش‌های مذکور، نیازمند روش تحلیلی-اسنادی است که برای تنظیم مفاهیم و تدوین یک چارچوب مفهومی از روش «تحلیل محتوای کیفی» استفاده شده است. برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن، می‌توان از این روش استفاده نمود. این فن به بررسی و تحلیل محتوا پرداخته و به پژوهشگر کمک می‌کند تا از تحلیل‌ها، داده‌هایی را در مورد متن استخراج نماید [۹]، [۱۸]. در همین راستا، در بخش نخستین، فلسفه نظم و شهر ایرانی-اسلامی از منظر اندیشمندان اسلامی و تفکرات آنان مطالعه گردیده است و سپس معیارها و اصول کلی این اصول و قواعد تبیین شده است. در بخش بعدی با توجه به مطالعات صورت گرفته، مصادیق، قوانین و احکام ثابت و متغیر در خصوص قواعد و الگوی های نظم دهنده به شهر ایرانی-اسلامی تدقیق شده است. شکل ۲، فرآیند پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.



شکل ۲. فرآیند پژوهش

۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

با توجه به ویژگی‌های نظریه واقع‌گرایی یعنی امکان تلاش برای شناخت و دستیابی به واقعیت، وجود مراتب مختلف در شناخت‌ها، وجود ضرورت‌ها در جهان، می‌توان شهر اسلامی-ایرانی را تلاشی در جهت نیل به اهداف و آرمان‌ها و تعالیم اسلامی تبیین نمود. به طوری که مسلمانان که همگی دارای مراتبی در ابعاد مختلف هستند برای عملی نمودن اصول و آرمان‌ها و قوانین طبیعت، تلاش می‌نمایند. بنابراین شهر اسلامی از دیدگاه واقع‌گرایی اسلامی شامل: «شهر ایرانی-اسلامی از دیدگاه متفکران مسلمان، واقعیتی یکپارچه است که در آن مسلمانان، با تکیه بر امور ثابت و بدیهی اسلامی، تلاش می‌نمایند. در این شهر ضمن وجود مراتب مختلف در دستیابی به و عملی نمودن آرمان‌ها و ثابت‌های تغییرناپذیر، نموده‌ها و وجوه گوناگونی بر حسب شرایط مختلف زمانی و مکانی ایجاد می‌شود که در جهت کمال انسان‌ها، وحدت و سعادت حقیقی تلاش می‌نمایند».

پیش از بررسی و تبیین الگوها و قواعد نظم در شهر ایرانی-اسلامی بر پایه تفکرات نظریه‌پردازان مسلمان، تدقیق رابطه جزء و کل در جامعه اسلامی و شهرهای اسلامی-ایرانی ضروری به نظر می‌رسد. در جدول ۳، ضرورت، اجزاء، کل، رابطه اجزاء با کل، رابطه اجزاء با همدیگر، سامانه نظم‌دهنده و اهداف خرد و غایی در جامعه اسلامی و شهر ایرانی-اسلامی بررسی شده است.

جدول ۳. رابطه کل و اجزاء در جامعه و شهر ایرانی-اسلامی [۳۳]

کل و اجزاء	جامعه اسلامی	شهر اسلامی-ایرانی
ضرورت	وجودی مستقل و حقیقی- انسان مدنی بالطبع تشکیل جامعه از روی اضطرار- (اصل نیاز و تشکیل خانواده؛ اصل استخدام و منافع افراد)	تحول ساکنان و نیازهای زمان و مکان، کمال‌طلبی انسان با توجه به تعالیم اسلامی و فناوری، دانش، فرهنگ و هنر بومی
اجزاء	افراد، نهادها و سازمان‌ها	افراد، نهادها، سازمان‌ها، بناها و فضاهای خصوصی، کاردها، رویدادها، بناها و فضاهای عام‌المنفعه
کُل	جامعه اسلامی - امت اسلامی	شهر اسلامی- ایرانی
روابط اجزاء با یکدیگر	نیاز به یکدیگر- امکان تضاد منافع و اختلاف و تضاد- تشکیل خانواده- تشکیل نهاد و سازمان برای نیازها	نیاز به اجتماع- خانواده‌محوری- مسجدمحوری- محله‌محوری- احکام ثابت الهی- وضع احکام قراردادی برای تنظیم امور
روابط اجزاء با کل	مصلحت مسلمین- اولویت منافع جامعه به منافع فردی - ضرورت وحدت امت اسلامی	مصلحت مسلمین- اولویت منافع شهر اسلامی به منافع شهروندان- ضرورت وحدت شهر اسلامی
سامانه نظم‌دهنده	احکام ثابت الهی- احکام متغیر قراردادی- مصلحت مسلمین- وحدت امت اسلامی	
اهداف خرد	آب و غذا و مسکن مطلوب، بهداشت، ایمنی و امنیت، احترام، تعاملات اجتماعی، ثبات و تعادل، تفریح و فراغت، پیشرفت‌های مادی و معنوی، سکون و آرامش، زیبایی	
هدف غایی	توحید- کمال- سعادت	زندگی مطلوب دنیوی و معنوی- وحدت- کمال انسان و سعادت دنیوی و اخروی

بررسی ابعاد نظم در یک فضای شهر به‌خصوص شهر ایرانی-اسلامی نیازمند بهره‌گیری از نگرش‌های مطالعات شهری در قالب نظام‌های شهری است. نظام‌های مطالعه شهری را می‌توان در حالت کلی در قالب نظام اجتماعی-فرهنگی، نظام کالبدی-فضایی، نظام اقتصادی و نظام زیست‌محیطی. به تبع همین امر نظم در هر نظام (نظم اجتماعی-فرهنگی، نظم کالبدی-فضایی، نظم اقتصادی، نظم زیست‌محیطی) مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه مصادیق هر بعد از نظم، قوانین و کیفیت‌ها، اهداف، احکام متغیر و ثابت و غایت تدوین شده است (جدول ۴).

جدول ۴. ابعاد نظم شهر ایرانی-اسلامی و ویژگی‌ها، راهبردها و اهداف غایی

ابعاد شهر	مصادیق نظم در شهر اسلامی-ایرانی	قوانین و کیفیت‌های مربوط	اهداف	احکام متغیر شهر اسلامی	احکام ثابت الهی	راهبرد	غایت	
نظم اجتماعی و فرهنگی	نظم‌دهندگی احکام ثابت و متغیر در نظام اجتماعی شهری- تقوی- حضور اجتماع منسجم در مسجد- رعایت حقوق دیگران- مشارکت- خدمت به خلق- نظم و تنوع در همدلی، وحدت، همیاری، عدالت، احترام و تواضع، نوع دوستی، عفاف	حریم و محرمیت، عدالت- مشارکت- امنیت، عفاف وحدت اجتماعی، نوع دوستی، پایداری اجتماعی- هویت فرهنگی- پایداری فرهنگی- ماندگاری معنا در شهر- تداوم حیات مدنی		قوانین قراردادی و متغیر درباره ساخت‌وساز، مالکیتها، تردد سواره و پیاده، عوارض و مالیاتها، مقررات داد و ستد، مقررات مداخله در اماکن عمومی، مقررات نظافت فضاهای عمومی، خدمات شهری، زیرساختهای شهری، رویدادهای فرهنگی، ورزشی، اجتماعی و ... (مانند قوانین بلدیه و شهرداری، مقررات ملی ساختمان، قراردادهای عرفی جامعه از قبیل کمک به نیازمندان و ...)	بدیهی و فطری؛ دین و شریعت؛ (اصول دین: توحید، عدل، معاد، نبوت و امامت) و (فروع دین: نماز، روزه، زکات، خمس، امر به معروف، جهاد، نهی از منکر، تولی، تبری)- تقرب - حقیقت‌جویی - مودت و مهربانی - کرامت انسانی - احترام و تواضع - عشق و محبت - نوع دوستی-حق‌الله- حق‌الناس	وحدت - اعتدال و میانه‌روی-تعادل	توحید - کمال انسان‌ها - سعادت حقیقی	
نظم کالبدی و فضایی	ساختار سلسله مراتبی در شهر و محله- مرکزیت اجتماعی و کالبدی مسجد- آزادی در اجزاء شهر نظم هندسی بناها و فضاهای عمومی با جهت قبله- تنوع شکلی در بناها و فضاهای عمومی- آزادی در جزییات- نظم در شبکه معابر اصلی و تنوع در معابر فرعی- تنوع در شبه معابر ارگانیک-	عدالت- وحدت، نظم، کارایی عملکردی، ترکیب متعادل سکون، ایستایی و پویایی- وحدت کالبدی، زیبایی، خاطره‌انگیزی، هویت کالبدی، تعلق خاطر - کارایی، خودکفایی- حریم و محرمیت، ایمنی و امنیت، خوانایی- آسایش و آرامش	اجتماع صالح - جامعه اسلامی- شهر اسلامی- ایرانی		عدالت- رزاقیت خداند- اعتقاد به حلال و حرام- احترام به حق‌الناس- پرهیزگاری- قناعت- پرهیز از مصرف‌گرایی-	مقررات ملی ساختمان، قراردادهای عرفی جامعه از قبیل کمک به نیازمندان و ...)		
نظم اقتصادی	نظم در مراکز اقتصادی و بازارها- اعتقاد به کسب رزق حلال- حق‌الناس- حق‌الله- قناعت- احکام مکاسب- قاعده حلال و حرام- نظم در دادوستد- فقدان احتکار و گران‌فروشی- فقدان فروش کالاهاى حرام- خدامحوری در کسب‌وکار	عدالت- رزاقیت خداند- اعتقاد به حلال و حرام- احترام به حق‌الناس- پرهیزگاری- قناعت- پرهیز از مصرف‌گرایی-						
نظم زیست-محیطی	حضور عناصر طبیعی در شهر و اجزای آن- نظم- دهندگی عناصر طبیعی (کوه، رود، گیاهان به شهر- تنوع در فرم و منظر شهری- امکان تفکر و تأمل در عناصر طبیعی- پاکیزگی و بهداشت محیط	حفاظت طبیعت- احترام به طبیعت و حقوق سرزندگی طبیعی، پایداری زیست‌محیطی، زیبایی طبیعی، نظم فراکتالی- پاکیزگی-						

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

نظم حاکم بر یک بافت شهری را می‌توان از طریق بررسی نظام‌های آن انجام داد. چرا که نظام‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و فضایی-کالبدی و زیست‌محیطی به‌صورت مجموعه‌ای واحد عمل نموده و زندگی شهری آن بافت را شکل می‌دهند. همچنین در تبیین نظم یک بافت به نظم کالبدی و یا شبکه معابر آن می‌تواند به نادیده انگاشتن نظامات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و زیست‌محیطی باشد. در جدول ۵، اصول و قواعد نظم‌دهنده به شهر اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های متفکران تبیین و تدقیق شده است. در راستای خوانایی بیشتر جدول این اصول و قواعد در قالب الگوها ارائه شده است.

جدول ۵. اصول و قواعد نظام‌دهنده شهر اسلامی با تأکید بر اندیشه متفکران مسلمان

الگوها	معیارها در شهر اسلامی
الگوی تعاملات اجتماعی	معاشرت و تعاملات همسایگی
الگوی مشارکت اجتماعی	شرکت در مراسمات اجتماعی - مشارکت در مدیریت شهر
الگوی همیاری	وحدت اجتماعی - کمک به نیازمندان
الگوی خرید	سادگی و پرهیز از اسراف و خودنمایی
الگوی مصرف	پرهیز از مصرف‌گرایی - رعایت حلال و حرام
الگوی حضور در اجتماع	تقوی و پرهیزگاری - خدمت به خلق - حیا و عفاف - رعایت حقوق سایرین -
الگوی گذران اوقات فراغت	رعایت تقوی و عفاف - رعایت حقوق خداوند و حق الناس - پرهیز از اسراف و تظاهر
الگوی مالکیت	حق مالکیت - خرده مالکی
الگوی کسب و کار	رزق حلال - رعایت حقوق خداوند و سایرین - عدالت
الگوی توزیع و عرضه	تبادل کالا بین همسایگان - عرضه کالا بمرغوب و تولیدات داخلی و بومی
الگوی مصرف	تبادل کالا بین همسایگان - عرضه کالای مرغوب و تولیدات داخلی و بومی
الگوی قیمت کالا	ثبات قیمت - اعمال سود محدود
الگوی حق الناس و حق الله	پرداخت وجوهات شرعی - مصلحت اجتماع
الگوی دسترسی و حرکت	سهولت دسترسی و حرکت - گسترش فضا در تراز همکف - آسایش و آرامش
الگوی خدمات‌دهی	وجود مساجد و خدمات ضروری - آسایش و آرامش - عدالت
الگوی آسایش و آرامش	عدالت - سادگی - ایمنی و امنیت - رعایت حقوق سایرین
الگوی معماری	زیبایی - استحکام - سادگی و پیچیدگی - خاطره‌انگیزی - هویت فرهنگی و تاریخی
تفکر و تامل در خلقت زیست‌محیطی	امکان ارتباط با طبیعت و تامل در پدیده‌های طبیعی
گرامیداشت خلقت زیست‌محیطی	احترام به طبیعت، کاربرد مصالح بومی، تعامل با طبیعت
بهره‌مندی از خلقت زیست‌محیطی	حضور آب، نور و گیاه و هوای آزاد
هماهنگی با خلقت زیست‌محیطی	هماهنگی با محیط زیست
وحدت و انسجام	تلفیق و انسجام با بستر طبیعی

شهر اسلامی - ایرانی

انسان مخلوقی اجتماعی است و برای حیات اجتماعی که امری ضروری و بدیهی است، نیازمند نظم است که ضمن تأمین نیازهای خویش با سایرین تعامل مطلوب داشته و با مشارکت در اجتماع زندگی کند. تحقق نظم اجتماعی، فقط از طریق قوانینی جامع امکان‌پذیر است که وحدت اجتماعی و مرزهای اعتقادی را رعایت نمایند. دین اسلام دارای نظم جامع شامل قوانین شریعت و احکام اسلامی برگرفته از آیات قرآن و احادیث پیامبر (ص) و امامان معصوم است که نظم شهر اسلامی را تبیین می‌نمایند.

مهم‌ترین قاعده تنظیم‌کننده روابط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در شهر اسلامی نظم اجتماعی همان قوانین و احکام شریعت از جمله قاعده حلال و حرام است که به رفتارها، تعاملات و امورات مسلمانان در شهر

اسلامی نظم می‌بخشد. نظم اجتماعی باید در اموری همچون نحوه حضور افراد در اجتماع، داد و ستد، خرید و مصرف، گردش و تفریح قابل ملاحظه است.

در شهر ایرانی-اسلامی، هر قدر که مسلمانان به قوانین مذکور پایبند باشند، به همان اندازه شهر از نظم معطوف به احکام ثابت برخوردار خواهد بود. در شهر ایرانی-اسلامی و در راستای احکام ثابت لازم است قوانین اعتباری کاملاً سازگار با احکام ثابت تدوین و اعمال شوند که این قوانین و مقررات نیز نقش مهمی در نظم شهر ایرانی-اسلامی دارند به‌طور مثال قوانین ساخت‌وساز که متأثر از قوانین شهرداری و نظام مهندسی و طرح‌های شهری است باید در راستای احکام ثابت بازنگری شده و ضعف‌ها و خلاءهای آن برطرف گردد تا در کنار مسئولیت‌پذیری مسلمانان، نظامی اسلامی-ایرانی را در نظام‌های چهارگانه شهری ارتقا دهد. همچنین نظم شهر اسلامی-ایرانی را می‌توان در دو بخش شهر و بخش از آن تبیین نمود:

الف- در مقیاس شهر، قوانین و مقررات متعدد و گوناگونی در نظام‌های چهارگانه نظم شهر را مشخص می‌کند که در کارکردهایی همچون ترافیک سواره، مراکز کار و آموزش و تفریح و غیره و ارتباط مابین آن‌ها، نظم ویژه‌ای را می‌طلبد. البته بدیهی است که بسیاری از احکام ثابت مانند عدالت، رعایت حقوق خداوند و حق الناس همه شمول بوده و فارغ از مکان واجب و الزامی است.

ب- در مقیاس منطقه با بخشی از شهر، قوانین و مقررات با تأکید بر ماهیت و کارکرد ویژه آن منطقه نظم بافت مربوطه را تعیین می‌نماید. در منطقه‌ای همچون بازار شهر، کارکرد اصلی اقتصادی و احکام مربوط به آن در نظام‌های چهارگانه، نظم آن را تنظیم می‌نماید. در سایر مناطق از قبیل محله‌های مسکونی نظم بافت محله وابسته به احکام مربوط به همسایگی، آرامش و آسایش فردی و اجتماعی، امنیت است.

منابع

1. Allah (2008). The Holy Quran. Translated by Nasser Makarem Shirazi. Tehran: Dar Al-Quran Organization.
2. Abolhassani, S. R. (2008). Stability and transformation in farabi political sociology. *Journal of Politics*. 17-43.
3. Avani, Gh. (2015). Social order, world order and divine order, Lecture paper presented at Hakim Mulla Sadra's Nineteenth National Conference. Focusing on Philosophy and Public Order.
4. Bamat, N. (2008). Architectural terms and symbols in the Quran. Translated by Mohammad Hossein Halimi. Proceedings of the Iranian Congress of Architecture and Urban Planning. Arg Bam-Kerman. Volume I, Cultural Heritage Organization, Tehran.
5. Bayat, B. (2014). Islamic approach to the city; properties of the Islamic city. *Quarterly Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*. 4(1), 137-167.
6. Bindandi, M., & Shiravand, M. (2014). Analysis of environmental ethics (based on Mulla Sadra's epistemic paradigm). *Journal of Biological Ethics*. Fourteenth year. 13, 55-73.
7. Brand, H. (1998). Islamic architecture. A translation of the strike. Tehran: Urban Planning and Processing Company. First Edition.
8. Castellello, F. V. (1989). Urbanization in the middle east. Translated by Parviz Piran and Abdolali Rezaei. Ney Publications. Tehran, first edition.
9. Daneshpour, S. A., & Roustaa, M. (2013). Conceptual framework for a sustainable community in Islamic worldview and muslim urban planning tradition. *Islamic Architectural Research Journal*. 1(1), 9-24.
10. Ebrahimi Dinani, M. H. (2015). Divine discipline and its relation to human discipline. Lecture paper presented at Hakim Mulla Sadra's Nineteenth National Conference, Focusing on Philosophy and Public Order.
11. Ettinghausen, R., & Graber, A. (1999). Islamic art and architecture. Translated by Yaghoub Aghed. Tehran: Samt Publications.
12. Farabi, A.N. (1979). The politics of medina. Translated by Seyyed Jafar Sajjadi. Publication of the Iranian Philosophical Society. Tehran. First Edition.
13. Faraj, I. (2011). Designing a well-being consumption model. *Two Islamic Economics Studies Quarterly*. 1, 67-91.
14. Javadi Amoli, A. (1987). Dignity in the Quran. International Prisoners' Foundation. Available at <http://www.esra.ir>
15. Javadi Amoli, A. (2011). *Fitrat in the Quran*, Qom. Isra'a Publication Center.
16. Javadi Amoli, A. (2015). *Mafatih al-hayat*, Qom, Esra Publication, First Printed, Second Edition.
17. Habibi, S. M. (2018). From shar to city: a historical analysis of the concept of the city and its physical landscape thought and effect. Tehran: Tehran University Press. Seventeenth Edition.
18. Hsieh, H.F., & Sarah, E.Sh. (2005). Three approaches to qualitative content analysis.
19. Hemmati Mamu, S., Maruti, S., Ardashiri, F., & Rezaei, Z. (1986). Characteristics of the spiritual society from the perspective of the holy Quran and hadith. *The Social Theories of Muslim Thinkers*. Seventh Year. Number One, 137-103.
20. Kalantari Khalilabad, H., Haghi, M., & Dadkhah, M. (2014). Social components of Iranian and Islamic urban design patterns. *Quarterly Journal of Role of the World*. Volume One. Number One. 17-26.
21. Karbassi, A. (2012). Today's architecture and the ambiguity of fixed and variable. *Journal of Fine Arts Tehran*, Tehran University Press. 17(3), 61-70.

22. Khaledian, S., Krimian, H., Pourahmad, A., & Mazaherian, H. (2014). Explaining Islam's position in urbanization process and Iranian urban space organization. *Quarterly Iranian Islamic Studies*. 17, 5-18.
23. Khamenei, S. M. (2015). Anatomical and formative order, lecture paper presented at hakim Mulla Sadra's nineteenth national conference. Focusing on Philosophy and Public Order.
24. Kolehini, M. B. Y. (1401). *Kafi principles*. Research by Ali Akbar Ghaffari. Beirut. 1, 58, hadith 19.
25. Imam Ali (2018). *Nahj al-Balagha*. translation by Mohammad Taqi Jafari. Tehran: Farhang-e-Islami Publication Office. First Edition.
26. Meshkini, A. (2015). Conceptual description and describing strategies and realization indicators of four principles of masjid orientation. *Neighborhood Orientation, Introversion and Naturalism in Islamic Iranian City*. *Islamic Architectural Research Journal*. Vol. Third, 8, 18-34.
27. Mohaghegh Damad, M. H. (2015). The order of being and must from the perspective of Mulla Sadra. *The Journal of Sadra Khodnameh*. 80, 5-12.
28. Morris, J. (2002). *The shape history of industrial revolution. 2: The Islamic Cities of the Middle East and the Spanish Empire*. Translated by Razieh Rezazadeh. Tehran: Fajr Development Consulting Engineers.
29. Motahari, M. (2004). *Al-Insān al-Kāmil*. Tehran: Sadra Publications. 30th Printing.
30. Motahari, M. (2008). *Fitrat*. Qom. Sadra Publications.
31. Motahari, M. (2012). *Generalities of humanities. Theology-Mysticism-Practical Wisdom*. Qom. Sadra Publications. 29 Edition.
32. Morteza, H. (2008). *Traditional principles of construction in Islam*. Translated by Abolfazl Meshkini and Kiomars Habibi. Urban and Architectural Studies and Research Center Publications. First Edition.
33. Molaei, A. (2018). Definition of the Order of the Islamic City Based on the Islamic Principles. *Journal of Philosophy of Religion*. University of Tehran. Volume 14. Number 4, pp. 878-855.
34. Naqizadeh, M. (2015). Quranic teachings and the ideal city of Islam. *Journal of Islamic Architecture Research*. Tehran. Third Year, 8, 46-67, 2015.
35. Osman, M. A. S. (1997), *Islamic medina*, translation by Ali Cheraghi. Tehran: Amir Kabir Publications.
36. Pirbabai, M. T., Firouzabadi, S. A., Hojjat, I., & Soltanzadeh, M. (2016). Religion and social capital exploring the social capacities of the islamic community of Iran. *Social Theories of Muslim Thoughts*. 6(1), 128-107.
37. Pour Jafar, M. R., Pour Jafar, A., & Safdari, S. (2015). Various types of islamic city and pointint out to defining the major aspects of islamic ideal city. *Islamic Architectural Research Journal*. Tehran. 8(8), 3-21.
38. Tabatabai, S. M. H. (1997). *The etebariat perceptions of Allameh Tabatabai and philosophy of culture*. Edited by Ali Asghar Mosleh, Roozegar-e Noor Publications, Tehran.
39. Tabatabai, S. M. H. (2008). *The spirituality of shia in appendix to several other articles, compiled by Mohammad Badiei with Introduction by Allameh Hasanzadeh Amoli*. Qom. Shiie Publications. Fourth Edition. 75-79.